

حقوق دیپلماتیک در اسلام

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۹/۲۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل

چکیده

اسلام دین جهانی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله آخرین سفیر الهی است. فلسفه تشریح اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، دعوت و هدایت انسان ها به کمال نهایی (توحید) است. دیپلماسی فعال و رعایت حقوق دیپلماتیک انجام این رسالت را منطقی تر و امکان پذیرتر می نماید. مقاله حاضر ضمن بازشناسی مفاهیم مرتبط و تحلیل نظری دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نقش آن در توسعه دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک می پردازد. اقدامات الهام بخش پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه از نوادر تاریخ است. به نظر می رسد به رغم پندار کسانی که دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک را محصول تمدن غرب می دانند این بحث خاستگاه دینی داشته و از مهم ترین آموزه های اسلام به شمار می آید.



روابط دیپلماتیک و رعایت اصول و مقررات دیپلماتیک از سوی کشورها ریشه در تاریخ روابط بین الملل دارد. اما پس از پدیداری «دولت - کشور»، نهاد حقوقی سفارت و روابط دیپلماسی جایگاه خاصی یافته است. رویه بین المللی معاصر، بیانگر این واقعیت است که صلاحیت شناسایی، ایفای نقش مثبت در روابط بین الملل، حضور فعال در سازمان های بین المللی و مشارکت در همکاری جهانی و شایستگی برقراری روابط دیپلماتیک، ملاک اساسی حاکمیت کشورها به شمار می رود. نقش سفارت و هیأت نمایندگی سیاسی کشورها در روشنگری مسائل میان کشوری، کاهش تنش های بین المللی، تأمین صلح و امنیت جهانی و توسعه روابط دوستانه بین المللی بر اهل فن پوشیده نیست. به همین دلیل، در حوزه مطالعات بین المللی، بحث سفارت جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و حقوق دیپلماتیک از قدیمی ترین و مهم ترین موضوعات حقوق بین الملل به شمار می رود. بیداری جهان اسلام و گسترده شدن روابط دیپلماتیک و کنسولی کشورهای اسلامی، ضرورت بحث سفارت و حقوق دیپلماتیک را با رویکرد اسلامی مبرهن می سازد. پرسش هایی در این زمینه مطرح می باشد: آیا نهاد سفارت و حقوق دیپلماتیک دارای خاستگاه دینی است یا عرفی؟ آیا نهاد سفارت ارمغان تمدن خاصی است یا همه تمدن ها در ایجاد و توسعه آن نقش دارند؟ شارع مقدس تا چه اندازه نسبت به این موضوع اهتمام و توجه دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه افرادی را به عنوان سفیر نزد دیگر کشورها اعزام می کردند؟ رفتار ایشان با سفیران دیگر کشورها چگونه بوده است؟ در مجموع، وضعیت حقوقی سفیران در نظام حقوقی اسلام چگونه است؟ تبیین نهاد حقوقی سفارت و حقوق دیپلماتیک در نظام حقوقی اسلام و پاسخ به پرسش های مزبور، مورد اهتمام پژوهش حاضر است.

بخش اول: بازشناسی اصطلاحات

۱. رسول: رسول در لغت به مطلق قاصد و در اصطلاح به سفیر بین دو کشور اطلاق می شود در این نگاه، رسول مترادف سفیر است و معمولاً به جای هم به کار می روند؛ اما در رویکرد دینی، واژه رسول، هم در مورد ملائکه به کار می رود و هم درباره پیامبران الهی کاربرد دارد. اما بیشترین اطلاق آن در خصوص پیامبران است.

۲. سفیر: سفارت در لغت به معنای روشن گری و از بین بردن ابهام ها به کار می رود. سفیر مأمور دولتی است با اختیارات عالی که برای انجام امور بین المللی یک دولت نزد دولت دیگر تعیین می گردد یا سفیر فرستاده ای است از جانب قومی به سوی قوم دیگر، برای رفع نگرانی که بین دو طرف وجود دارد؛ پس وظیفه سفیر روشن گری در همه زمینه های مربوط به روابط بین المللی است و اختصاص به جنگ و صلح ندارد؛ هر چند گوشه ای از این روشن گری در موارد خاص، مانند مذاکره، میانجی گری و امثال آن می باشد.

سفیر در اصطلاح به دو معنا به کار می رود:

الف. مقدم نمایندگان سیاسی دولتی نزد دولت دیگر. این تقدم در خود کلمه سفیر نهفته است. همچنین نیازی به ذکر وصف «کبیر» نیست، چون هر سفیری کبیر است.

ب. مطلق نمایندگان سیاسی مذکور که شامل سفیر، وزیر مختار، وزیر مقیم و کاردار سفارت است. سفیر، نماینده انحصاری رئیس دولت است، اما دیگران نماینده سیاسی دولت متبوع خویش اند. زمان مأموریت سفیر عادی محدود نیست، بلکه او پیوسته نمایندگی سیاسی دولت متبوع خویش را دارد. اگر سفیری برای کار معین یا برای مدت محدود مأموریت داشته باشد، او را سفیر فوق العاده می نامند. در حقوق بین الملل معاصر، عنوان سفیر به کسی اطلاق می شود که ریاست هیأت دیپلمات ها در خارج از کشور را برعهده دارد. محل اقامت سفیر و هیأت دیپلمات ها «سفارت» نام دارد.

۳. کنسول: کنسول، مأمور اعزامی توسط یک کشور به کشورهای دیگر برای رسیدگی به امور تجاری و توریستی است. مأمور در خارج از کشور برای توسعه و حمایت منافع اقتصادی و امور رفاهی مربوط به اتباع کشور، در محل اقامت یا استقرار کنسول مقیم است. کنسول معمولاً کارمند وزارت امور خارجه است و درجات کنسولی عبارتند از: سرکنسول، کنسول، معاون کنسولی، مأمور کنسولی.

۴. دیپلماسی: دیپلماسی، هنر و روش انجام مذاکره با دولت های خارجی برای دستیابی به روابط سیاسی رضایت بخش و متقابل است. در واقع، دیپلماسی علم و هنر نمایندگی کشورها و فن مذاکره است؛ هنری که برای انجام امور دیپلماتیک و حقوقی و حفظ منافع کشور متبوع، در خارج صورت می گیرد. دیپلماسی اصول و مقرراتی است که به موجب آنها روابط دولت ها با هم از راه مذاکره و فرستادن مأموران فوق العاده و جلب موافقت یا بستن قراردادهای تمثیلیت پیدا می کند. دیپلماسی، روش



حل و فصل مسائل روابط خارجی دولت با دولت های دیگر، به وسیله مذاکره یا هر شیوه مسالمت آمیز دیگر است. بنابراین، معنای خاص دیپلماتیک، روابط خارجی دولت و دیپلماسی، نحوه اداره آن روابط است. روابط دیپلماتیک به ارتباط رسمی دولت ها که در سایه مأموران دیپلماتیک مبادله می شوند، اطلاق می گردد.

به بیان دیگر، تمام روابطی که میان کشورها، از طریق نمایندگان دیپلماتیک آنها صورت می گیرد، اصطلاحاً روابط دیپلماتیک نامیده می شود.

۶. حقوق دیپلماتیک: حقوق دانان کمتر به تعریف حقوق دیپلماتیک اشاره کرده اند. شاید راثول ژنه (Raoul Genel) اولین حقوق دانی باشد که در این زمینه تعریفی ارائه کرده است. او می گوید: حقوق دیپلماتیک شاخه ای از حقوق عمومی است که درباره اعمال و نظامات روابط خارجی دولت و نمایندگی او در خارج بحث می کند؛ یعنی هم از امور بین الملل و هم از نحوه اجرای آنها و یا: حقوق دیپلماتیک مجموعه قواعدی است که نظام روابط سیاسی خارجی دولت ها بر آن استوار است.

بند اول: منابع حقوق دیپلماتیک

منابع حقوق دیپلماتیک در حقوق عرفی عبارتند از: معاهدات، عرف بین المللی، اصول کلی حقوق، آموزه، تصمیمات قضایی بین المللی و انصاف. با تصویب کنوانسیون های چهارگانه «وین» درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، روابط کنسولی (۱۹۶۳)، مأموریت های خاص (۱۹۶۹) و روابط نمایندگی دولت ها با سازمان های بین المللی (۱۹۷۵) توسط سازمان ملل متحد، حقوق دیپلماتیک عرفی به گونه ای سازمان یافته است که می توان گفت به حد کمال رسیده است. منابع حقوق دیپلماتیک در اسلام عبارتند از: کتاب، سنت، عرف، سیره عقلا و احکام حکومتی. نهاد حقوقی استیمنان و حقوق اقلیت های دینی نیز از موضوعاتی هستند که می توان از آنها در تبیین حقوق دیپلماتیک استفاده کرد. عضویت کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد و کنوانسیون های چهارگانه «وین» درباره حقوق دیپلماتیک، زمینه توسعه روابط دیپلماسی و رعایت حقوق دیپلماتیک را بیش از پیش فراهم ساخته است. کشورهای اسلامی براساس اصل مقابله به مثل و اصل احترام به قراردادهای ملزم به رعایت معاهدات و پیمان های بین المللی هستند. علمای طباطبائی در تفسیر شریف المیزان می نویسند: «اسلام بعد از آنکه عهد و پیمانی منعقد شد، حرمت عهد و پیمان و وجوب وفا به



آن را به طور مطلق می داند، خواه آن کسی که پیمان بسته از پیمان متضرر شود، یا منتفع گردد. زیرا رعایت عدالت اجتماعی لازم تر و واجب تر از هر گونه نفع خصوصی یا شخصی است... به جرئت سوگند یاد می کنم که این، یکی از تعالیم عالیه است که دین اسلام به منظور هدایت مردم به رعایت حکم فطرت انسانی و حفظ عدالت اجتماعی که رشته اجتماعی انسانی جز بر پایه آن به نظم نمی آید، آورده و مظلومه استخدام و استثمار را لگد کوب کرده است.

بند دوم: سابقه دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک

دیپلماسی در تاریخ سیاسی جهان پیشینه ای دیرینه دارد. گرایش به قدرت و حفاظت از منافع و دستاوردها از یک سو، وحشت از جنگ و پیامدهای ناگوار آن از سوی دیگر، در ایجاد و توسعه روابط دیپلماسی تأثیر گذار بوده است. اسناد تاریخی ناظر به مذاکرات و مراوده های دیپلماتیکی میان آشور و بابل و ایران، شواهد دیپلماتیک میان دولت های فلسطین و فینیقی و سوری، مدارک مربوط به ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک میان چین و ژاپن و نیز قوانین و نظام نامه های هند در زمینه روابط با دیگر دولت ها، بیانگر قدمت و اهمیت دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک در تنظیم روابط بین المللی است. اما یونان باستان در تاریخ دیپلماسی جایگاه خاصی دارد. واژگان دیپلماسی، و دیپلمات از ریشه یونانی «دیپلوما» اقتباس شده که در اصل به معنای صفحه یا هر برگ لوله یا تا شده است و معمولاً به سندی گفته می شد که به موجب آن، عنوان یا امتیازی به شخصی داده می شد. واژه «دیپلم» نیز به همین مناسبت در مدارک علمی به کار رفته است. یونانیان برای دیپلماسی اهمیت خاصی قائل بودند. هومر، متفکر و شاعر معروف یونان، قرن ها پیش از میلاد مسیح، درباره روابط دیپلماتیک سخن گفته است. رومیان، هرچند بر قدرت نظامی اعتماد بیشتر داشتند، اما در بسیاری از موارد برای حفظ موقعیت و گسترش قدرت از روش های محرمانه و چه بسا آمیخته با نیرنگ و فریب استفاده می کردند. امپراتوری بیزانس به دلیل روحیه بارز توسعه طلبی، همواره گرفتار جنگ و درگیری بوده است. از روش هایی را که در روابط دیپلماسی و سیاست خارجی خود به کار گرفته، با اصول و موازین انسانی و اخلاقی چندان سازگاری ندارد. این خط مشی در اروپای قرون وسطا نیز دنبال شد. کشورهای قدرت طلب برای دست یابی به امتیازات خاص و توسعه قدرت، از هیچ اقدامی دریغ نکردند. از قرن شانزدهم که دولت- کشور به مفهوم امروزی آن شکل گرفت، اندیشه برقراری سفارت دائم نیز پدیدار گشت. قواعد عرفی حاصل از ضرورت یا دب و نزاکت به منظور تنظیم روابط



دولت‌ها با سفیران و سفارتخانه‌های مقیم و ساماندهی روابط سفیران با یکدیگر، ایجاد گردید. به دلیل آنکه قواعد مزبور جنبه عام و جهانی نداشت، نمی‌توانست روابط دولت‌ها و سفیران را براساس اصول حقوقی مشترک تنظیم کند. در این برهه از تاریخ، توانایی سیاسی، قدرت نظامی و روابط خویشاوندی سلاطین، ملاک امتیازات به شمار می‌رفت. دولت‌ها براساس معیارهای مزبور - و نه اصول حقوقی - برای خود امتیازاتی قائل بودند. بخصوص سفیران کشورهای بزرگ، خود را نسبت به سفیران کشورهای دیگر برتر می‌پنداشتند و خواهان احترامات، تشریفات، مصونیت‌ها و معافیت‌های ویژه بودند. زیاده‌خواهی‌ها و توقعات نابجای بعضی از کشورها، در عمل موجب آشفتگی و چه بسا بحران بین‌المللی می‌گشت. به همین دلیل، اندیشه یکسان‌سازی معیارها و اصول دیپلماتیک به عنوان یک خواست جهانی مطرح شد و کوشش‌های فردی و دولتی در راستای تدوین حقوق دیپلماتیک آغاز گردید. حقوق دانان تلاش کردند تا قواعد معتبر و عرف‌های رایج بین‌المللی ناظر به نمایندگان و هیأت‌های دیپلماتیک را به صورت قانون تدوین نمایند. این اقدام به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط دیپلماتیک، آثار و برکات فراوانی را به دنبال داشت. نظم و سامان دهی قواعد متفرق، شفافیت و قاطعیت مقررات، مبارزه با زیاده‌خواهی بعضی از کشورها، پیش‌گیری از تنش‌های بین‌المللی و در نهایت پاسخ‌دهی به نیازهای بین‌المللی در حوزه دیپلماتیک، از جمله فواید حرکت سازنده و پیشرو حقوق دانان در زمینه تدوین حقوق دیپلماتیک است. لوفور (Lefur)، نویسنده حقوقی نخستین طرح تدوین جزئی، حقوق دیپلماتیک را در قراردادهای کنگره «وستفالی» (۱۶۴۸) ارائه داد. سپس کنگره وین (۱۸۱۵) توسط هشت کشور بزرگ اروپایی برگزار و منجر به امضای «نظامنامه تقدم مأموران دیپلماتیک» گردید. کنواسیون وین، هرچند از لحاظ طبقه‌بندی نمایندگان دیپلماتیک و تعیین موقعیت آنان دارای اهمیت می‌باشد، اما بسیاری از موضوعات حقوق دیپلماتیک، مانند برقراری روابط دیپلماتیک، تأسیس سفارت‌خانه‌ها، آغاز و پایان مأموریت دیپلمات‌ها، مزایا و مصونیت‌ها و معافیت‌های دیپلماتیک و نظایر آن، در این کنواسیون اصلاً مورد اشاره قرار نگرفت. اقدامات اساسی را در این زمینه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد انجام داده است. تدوین و تصویب کنواسیون‌های چهارگانه وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، روابط کنسولی (۱۹۶۳)، مأموریت‌های خاص (۱۹۶۹) و روابط نمایندگی دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی (۱۹۷۵) از نتایج کوشش‌های سازمان ملل متحد در راستای تکمیل حقوق دیپلماتیک می‌باشد. با



تدوین کنوانسیون‌های مزبور، می‌توان گفت: تلاش‌های سازمان ملل متحد، موفقیت‌آمیز و رضایت‌بخش می‌باشد و حقوق دیپلماتیک به تکامل رسیده است با وجود این، بعضی مدعی‌اند که در دوران معاصر، سیاست فریب و نیرنگ در روابط خارجی و دیپلماسی غربیان عمق بیشتری یافته است. آنچه که در این‌گونه بررسی‌ها باید مورد تأمل قرار بگیرد، این نکته است: عده‌ای همواره تلاش کرده‌اند تا پیدایش و گسترش فرهنگ و تمدن و آثار آن را محصول تلاش غرب و متفکران غربی معرفی کنند. در بررسی سابقه دیپلماسی و تدوین حقوق دیپلماتیک نیز همین شیوه را پیموده‌اند. البته اختصاص دادن دیپلماسی به غرب و تمدن غربی، آن‌هم به مفهومی که در سیاست بین‌الملل معاصر، به ویژه در روابط کشورهای مقتدر با کشورهای جهان سوم شاهد آن هستیم، نه تنها موجب افتخار نیست، بلکه از نقاط منفی فرهنگ غرب به شمار می‌رود. اگر تاریخ را منصفانه بررسی کنیم، شواهد و قرائن تاریخی نشان می‌دهد که مشرق زمین (سرزمین‌های انبیای الهی) خاستگاه واقعی فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود. تلاش‌های بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر پیامبران الهی در فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن و نیز اصلاح و توسعه آن، بر هیچ پژوهشگر منصفی پوشیده نیست. تاریخ تحولات دیپلماسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اسناد و مدارک مربوط به روابط دیپلماتیک نشان می‌دهد که مشرق زمین در این زمینه نیز پیشگام است. مرادها و ارتباطات دیپلماسی در شرق همواره وجود داشته است. ظهور اسلام و روش‌های حکیمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه بین‌الملل نقطه عطفی در تاریخ تحولات دیپلماسی جهان به شمار می‌رود. حقیقتی که بسیاری از متفکران و مورخان دیپلماسی، از بیان آن غفلت و یا تغافل ورزیده‌اند.



بخش دوم: بررسی دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک در اسلام

با توجه به این حقیقت که اسلام دین جهانی است و هدایت انسان‌ها به سوی حق رسالت اصلی این دین مبین به شمار می‌رود، روابط دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک در نظام حقوقی اسلام جایگاه خاصی می‌یابد؛ چرا که به مقتضای حکمت، دیپلماسی فعال و حکیمانه پیش شرط دعوت و هدایت است. ما بر این باوریم که خداوند حکیم نخستین آموزگار بشر در زمینه سفارت و روابط دیپلماسی است. به بیان دیگر، سفارت و اصل دیپلماسی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی به شمار می‌رود. خداوند سبحان در راستای هدایت بشر و ایجاد رابطه با اشرف مخلوقات (انسان) سفیرانی را فرستاد و فن مذاکره و دیپلماسی را به بهترین وجه به آنان آموخت: «با حکمت و



اندرز نیکو به سوی راه پروردگار دعوت نما، و به آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن «تا روابط اجتماعی و بین المللی بشر را تنظیم و انسان ها را به زندگی انسانی و عدالت اجتماعی هدایت کنند. انجام چنین رسالتی عظیم جز با دیپلماسی فعال و حکیمانه امکان پذیر نیست.

بدون شک، پیامبران به عنوان سفیران الهی در ایجاد تمدن، توسعه روابط اجتماعی و بین المللی و ترویج فرهنگ عدالت خواهی نقش عظیم و برجسته ای ایفا کرده اند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند. قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رسول رحمت معرفی می کند و مهربانی و دلسوزی را از مهم ترین ویژگی های او برمی شمارد. ابلاغ پیام خدا، تعلیم و تربیت انسان ها، حل و فصل اختلافات، انذار و تشریح و اتمام حجت، رسالت اصلی آخرین سفیر الهی است. منظور از دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله فعالیت ها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و سفیران برگزیده او در راستای انجام وظایف سیاسی دولت اسلامی، تحقق بخشیدن به خط مشی های کلی اسلام در عرصه روابط بین الملل انجام داده اند. در حقیقت، اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت

اسلامی بود که دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله را معین می کرد و جهت می بخشید. اگر دیپلماسی را هنر مذاکره و یک وسیله کاربردی در راستای نیل به اهداف بدانیم، دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله می تواند الگوی برتر در این زمینه باشد. چون شیوه های حضرت بر جهان بینی واقع بینانه و اصول و ارزش های انسانی متکی بوده و خاستگاه الهی دارد. در واقع، زیربنای دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام انسان ساز وحی به همه ملت ها در همه زمان هاست. هدف اسلام رساندن انسان به کمال واقعی و ایجاد حکومت واحد جهانی براساس قسط و عدل می باشد. پیامبر گرامی صلی الله و علیه و آله تلاش کرد از طریق تبلیغ اصول و احکام اسلامی جامعه بشری را به وحدت، تعاون، تفاهم و زندگی براساس مشترکات، هدایت نموده و انسان ها را از ظلم و تعدی به همدیگر باز دارد. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت)

سرباز زنده، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم. از منابع تاریخی استفاده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه مزبور نامه های متعددی برای زمام داران بزرگ آن عصر فرستاد و در بخشی از نامه ها بخصوص روی آیه فوق تأکید ورزیده است. دیپلماسی در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آخرین سفیر الهی تجلی خاصی دارد. تاریخ، نمونه هایی از رفتار دیپلماسی حضرت را ثبت کرده است. ایشان در مدت حکومت خویش، سفیران متعددی را نزد سران دیگر کشورها فرستاده و سفیرانی را از کشورهای دیگر به حضور پذیرفته است. در اعزام و یا پذیرش سفیر نیز تشریفات خاصی را رعایت می کرده است. بدون شک، سیره آن حضرت در زمینه روابط بین الملل و حقوق دیپلماتیک، شامل نکات ارزنده و الهام بخش می باشد. لازم است بدانیم اثر مکتوب با عنوان مشخص درباره دیپلماسی مسلمانان بسیار اندک است. تنها اثر معروف در این زمینه کتاب رسل الملوک و من يصلح للرسالة و اسفارة نوشته ابن الفراء است که در اواخر قرن سوم هجری (نهم میلادی) نوشته شده و توسط صلاح الدین منجد تصحیح و در سال ۱۹۴۷ در قاهره منتشر گردیده است. در سال ۱۳۶۳ توسط پرویز اتابکی به فارسی ترجمه شده است. اما شواهد و مدارک موجود در منابع اسلامی و کتاب های تاریخی، به نحو مطلوب بیانگر اهتمام اسلام و مسلمانان نسبت به این موضوع می باشد. تاریخ سفارت و روابط دیپلماسی مسلمانان در چند مرحله قابل بررسی است.

بند اول: بررسی عصر رسالت در این راستا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین سفیر آسمانی است. سیره ایشان در زمینه دیپلماسی بسیار آموزنده است. در تاریخ دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سفیران زیادی نام برده شده که هر یک از آنها برای انجام مأموریتی اعزام شده اند. از آن جمله می توان سفارت سیاسی - نظامی امام علی علیه السلام در یمن، عروه بن مسعود در مکه، معاذ بن جبل در یمن، عبدالله بن خزافه در ایران، خاتب بن ابی بلعه در مصر، دحیه بن خلیفه کلبی در روم، عمرو بن امیه در حبشه، شجاع بن وهب در دمشق و سلیط بن عمرو در یمامه را نام برد. یکی از حقوق دانان مسلمان معتقد است: نخستین سفیر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فردی غیرمسلمان به نام عمرو بن امیه الضمری می باشد. تعداد از مسلمانان به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کشور حبشه هجرت کردند. کفار قریش تلاش داشتند تا آنان را به مکه برگردانند. آن حضرت در سال دوم هجری عمرو را نزد نجاشی پادشاه حبشه



فرستاد تا به وسیله اطلاع رسانی شفاف، توطئه قریشیان را در خصوص برگرداندن مسلمانان پناهنده خنثی نماید.

الف. نامه ها و سفیران پیامبر صلی الله علیه و آله: پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت حکومت ده ساله خویش اقدامات بسیار سازنده ای در عرصه روابط بین الملل انجام داد. ارسال نامه ها و اعزام سفیران متعدد از سوی ایشان به دیگر کشورها نقطه عطفی در تاریخ دیپلماسی جهان به شمار می رود. برخی از مورخان تعداد نامه های پیامبر به سران قبایل و رؤسای مذاهب و دولت ها را بیش از سیصد مورد ذکر کرده اند. مطابق نوشته ابن سعد در طبقات، رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز سال هفتم هجرت، در یک روز شش نامه به کشورهای بزرگ جهان، از جمله ایران و روم فرستاد. نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر محتوا، بلاغت و آداب سیاسی شایان توجه است. سفیران اعزامی حضرت از جانب همه پادشاهان (قیصر روم، حارث بن ابی شمر پادشاه غسان، مقوقس پادشاه مصر و نجاشی شاه حبشه) به جز خسرو پرویز، امپراتور ایران، مورد استقبال و تجلیل قرار گرفتند. نکته حائز اهمیت آنکه سفیران اعزامی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله این توانایی را داشتند که به زبان کشور میزبان سخن بگویند. آشنایی مسلمانان به زبان های گوناگون از عجایب آن دوران و نشانگر اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مسئله دیپلماسی و ایجاد روابط دیپلماتیک با دیگر جوامع است.

بدون شک، ارسال پیام ها و چگونگی تعامل سفیران اسلام با سران دیگر جوامع، از نوادر تاریخ است. سیره آن حضرت در ایجاد روابط حسنه و دیپلماسی پایدار و ماندگار می تواند الهام بخش کشورهای اسلامی باشد. چنان که در دیپلماسی معاصر نیز پیام هایی که میان سران کشورها مبادله می شود، در هماهنگی سیاست جهانی و تنش زدایی بین المللی، نقش بسیار تعیین کننده و سازنده دارد.

ب. وفود یا هیأت های نمایندگی: در حکومت نبوی، پذیرش سفیران توأم با آداب و تشریفات خاص صورت می گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله سفیران خارجی را در مسجد بزرگ مدینه در جایی که معروف به «اسطوانة الوفود» (ستون سفیران) بوده و هنوز هم باقی است به حضور می پذیرفت. تعداد هفتاد و یک نمونه از وفود (هیأت های نمایندگی) در دوران رسالت و چگونگی مذاکرات و اهداف آنها به ثبت رسیده است. هیأت های نمایندگی در سال نهم هجری به گونه ای افزایش یافت که سیره نویسان آن را «عام الوفود» نامیدند.



مهم ترین محورهای مذاکرات وفود عبارت بودند از:

- ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله و تحقیق درباره اسلام؛

- عقد قراردادهای صلح (دوجانبه یا چندجانبه)؛

- درخواست کمک های اقتصادی؛

- واگذاری صلاحیت اداره مناطق به بعضی از رؤسای قبایل در صورت صلاحدید؛

- پیمان بی طرفی و پرهیز از شرکت در اقدامات خصمانه علیه مسلمانان؛

- پذیرش حاکمیت جدید که در رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تجلی یافته بود.

ج. آداب پذیرش سفیران: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سفیران اعزامی جوامع دیگر رفتار حسنه و نیکی داشتند. آنان در مدت مأموریتشان از احترام و مصونیت کامل برخوردار بودند و می توانستند بی هیچ محدودیتی پیامشان را ابلاغ کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هیأت همراه در مراسم پذیرش سفیران، لباس خوب بر تن می کردند و از آنان به طور رسمی استقبال می نمودند. دارالضيفات (مهمان سرا) مخصوص پذیرایی سفیران وجود داشت و با سفیران با توجه به موقعیت شخصی و مقام اعزام کننده آنها رفتار می کردند. دادن هدایا به سفیران، امری بود که جزء تشریفات به شمار می رفت. تاریخ نمونه هایی از اعطای هدایا توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ثبت کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سفیر فروه بن عمرو جذامی عامل قیصر در عمان که حامل هدیه ای همراه با خبر اسلام آوردن فروه بود، پانصد درهم هدیه داد. همچنین قاصد باذان عامل کسری در یمن را مورد لطف قرار داد و کمربندی به وی اهدا کرد که در آن طلا و نقره به کار رفته بود. از آن پس مردم او را «ذوالمفخره» (صاحب کمربند) می گفتند.

نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام رحلت وصیت کرد که جانشینان او نیز، این سیره را ادامه بدهند و به سفیران هدایایی بدهند. هرگاه سفیران مسلمان هدایایی دریافت می کردند، به بیت المال تعلق می گرفت.

د. آثار دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله: آثار عمده دیپلماسی حکیمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از رحلت ایشان، در دوران خلفا به بار نشست. سقوط امپراتوری روم در عقب نشینی هرقل (از مناطق شام) و فروپاشی امپراتوری ایران بازتابی سیاسی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سال ششم هجری در زمینه توسعه روابط بین الملل و گسترش سیاست دیپلماسی اتخاذ نمود.



فتوحات مسلمانان در عصر خلفا، عنوانی است که مورخان به آثار سیاسی و بازتاب روابط بین‌المللی رسول خدا صلی الله علیه و آله داده‌اند. در واقع، ظهور قدرتمند اسلام در عرصه جهانی در آن دوران قدرت‌ها را واداشت تا به این واقعیت تن در دهند که قدرت به حکومت جدید، مکتب نوپا و ملت تازه‌ای انتقال یافته است. سقوط سلطنت هفت صد ساله قیصر روم، آزادی سرزمین‌های عراق و ایران به دست لشکر فاتح اسلام و سقوط قدرت ساسانی و تاج و تخت کیانی و انزوای امپراتوری روم در مدت کوتاه، آثار شیوه حکیمانه‌ای است که پیامبر اکرم در زمینه روابط بین‌المللی اتخاذ کرده بود.

بند دوم: بررسی دوران پس از رسالت

روابط دیپلماسی جامعه اسلامی در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار کمرنگ ادامه یافت. از جمله نقل شده که در دوران ابوبکر سفیری از جانب قیصر روم آمد، اما از محتوای مأموریت او اطلاعی در دست نیست. همچنین در زمان خلیفه دوم سفیرانی از جانب قیصر روم به مدینه آمدند. در زمان بیعت با امام علی علیه السلام، نمایندگانی از عراق و مصر حضور داشته‌اند که خود بیانگر تداوم دیپلماسی صدر اسلام است. واقعیت این است که مدت پنج سال خلافت امیرمؤمنان علیه السلام چنان درگیر جنگ‌های تحمیلی (جمل، صفین و نهروان) گردید، که فرصتی برای فتوحات اسلامی و توسعه روابط دیپلماتیک باقی نگذاشت. در یک جمع بندی می‌توان گفت که در دوران خلفا، از تحرک پویا و ابتکار فعال پیامبر صلی الله علیه و آله در عرصه روابط بین‌المللی و دیپلماسی اسلام خبری نیست. چون هر یک از خلفا در مدت زمام‌داری شان، بیشتر درگیر مشکلات و شورش‌های داخلی گردیدند. با تشکیل دولت اموی نیز، سفیرانی بین دمشق و بیزانس رفت و آمد داشتند. با پیش روی اسلام به سوی شرق، هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، در سال ۱۸ هجری سفیری به نام سلیمان نزد هسان تسونگ امپراتور چین اعزام داشت. از این رو، روابط بین اعراب و چین گسترش یافت، بخصوص در دوره عباسیان هنگامی که آنان لشکری به چین فرستادند تا پادشاه چین را در برابر رقیب وی یاری دهند. در دوران فاطمیون مصر و به ویژه المستنصر بالله سفیران روم برای توسعه روابط بازرگانی به آن کشور آمدند؛ چرا که مصر کشوری مهم بود و رومی‌ها بدان علاقه داشتند. این روابط توسعه یافت و مصر دولت بزرگی شد؛ به گونه‌ای که گفته شد: در یک نوبت، ۱۴ سفیر از کشورهای گوناگون در قاهره گرد آمدند. در دوره عباسیان عهدنامه‌های متعددی بین حکومت عباسی و امپراتور روم شرقی و دیگران به امضا رسیده است. مسعودی از دوران



هارون الرشید تا زمان خودش، از انعقاد دوازده عهدنامه میان کشور اسلامی و دیگر کشورها نام می برد. البته سیاست بین المللی دولت های اسلامی و دیپلماسی جهان اسلام در دوران پس از رسالت نیازمند بحث است که در فرصت مناسب باید به آن پرداخته شود.

بند سوم: تأسیس سفارت دائم

در گذشته سفارت حالت موقت داشت و دولت ها برای انجام هر مأموریتی شخص یا هیأتی را به عنوان سفیر اعزام می کردند. رشد تمدن و گسترش روابط بین المللی به تدریج ضرورت تأسیس سفارت و نمایندگی نسبتاً دائمی کشورها را ایجاب کرد. از نظر تاریخی، در خصوص جایگزینی سفیر دائم به جای سفیر موقت، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی از نویسندگان معتقدند: غریبان اندیشه فرستادن کنسول را از مسلمانان آموخته اند؛ زیرا در جنگ های صلیبی مسلمانان به موجب پیمان های خاصی، حق تعیین کنسولی را به منظور رسیدگی به امور شخصی اتباع بیگانه به رسمیت شناخته بودند، که به تدریج تحت عنوان «کاپیتولاسیون» در عرصه بین الملل مطرح شد. در این مسئله که شناسایی حق کنسولی بیگانگان از ابتکارات دولت عثمانی می باشد، همه اتفاق نظر دارند. به اعتراف مورخان ایتالیایی، در سال ۱۴۵۳ م با فتح قسطنطنیه چنین حقی از سوی دولت عثمانی برای اتباع بیگانه به رسمیت شناخته شد. با انعقاد قرارداد ۱۵۳۵ و ۱۶۳۷ بین عثمانی و فرانسه و انعقاد قرارداد ۱۶۷۵ بین عثمانی و انگستان و سرانجام در سال ۱۶۷۴ م، این معاهده کامل شد. البته ما در صدد ارزیابی معایب کاپیتولاسیون و رفتار ساده لوحانه عثمانی ها نیستیم، ولی نکته ای که در اینجا قابل توجه است که اصل ابتکار شناسایی حق کنسولی برای بیگانگان می باشد که توسط دولت عثمانی انجام گرفته است. نکته ای که در سیر تحول روابط دیپلماسی جامعه اسلامی شایان توجه است، تقدم زمانی جامعه اسلامی در این زمینه و حتی ابتکار جایگزینی سفیر دائم به جای سفیر موقت می باشد.

بند چهارم: وظایف سفیران

سفیران و دیپلمات های سیاسی در مدت مأموریتشان (دائم یا موقت) تجلی قدرت، نماد استقلال، الگوی حاکمیت ملی و در یک کلام نماینده کشور فرستنده به شمار می روند. با توجه به اهمیت روابط دیپلماسی، کشورهای اسلامی در این زمینه، نکاتی را رعایت می کردند که بسیار آموزنده و جالب به نظر می رسد. خلیفه یا سلطان کشور اسلامی، سفیرانشان (نمایندگانشان) را معمولاً از میان معتمدانی دارای صفات ذیل انتخاب می کردند: حیثیت و شهرت علمی، کفایت و چابکی ارزش و



اطمینان، قیافه و سیما، ساختمان بدنی و تناسب اندام و زیبایی های صوری، غیرتمندی و حضور ذهن. چون اغلب شخص واحدی با ویژگی های لازم کمتر پیدا می شود، هیأتی را مرکب از دو یا سه نفر به عنوان سفیر می فرستادند: یکی مرد شمشیر، دیگری مرد دانش و سوم فردی مستشار (دبیر) که سمت منشی گری هیأت را داشت. آنان همان گونه که نقش مهم و وظایف حساسی برعهده دارند، از مزایا و مصونیت هایی نیز برخوردارند که به طور اجمال به آنها اشاره می کنیم.

۱. نسبت به کشور پذیرنده: وظایف سفیران و دیپلمات ها در قبال کشور میزبان، محدودتر از وظایفشان در برابر کشور متبوع خود است؛ زیرا در ارتباط با کشور میزبان، بیشتر حقوق سفیران و دیپلمات ها مطرح است، نه وظایف آنان. اما در عین حال، آنها در برابر کشور میزبان نیز مسئولیت هایی دارند؛ از جمله آنها رعایت قوانین داخلی و احترام به آداب و رسوم کشور میزبان و عدم همکاری با گروه های مخالف آن را می توان نام برد. در مجموع، نمایندگان سیاسی باید از ارتکاب اعمالی که موجب هتک حرمت و بی اعتنایی به عقاید مذهبی، سیاسی، سنت ها و ارزش های ملی کشور میزبان است، بپرهیزند.

۲. نسبت به کشور فرستنده: سفیران اعزامی از سوی مسلمانان، اعتبارنامه رسمی داشتند و مکلف بودند آنها را به رؤسای دولت کشور میزبان تسلیم کنند. مأموریت آنان که در ابلاغ پیام بدان تصریح می شد، گاهی مشتمل بر اظهارات کلی و عمومی بود و از این حکایت داشت که اطلاعات محرمانه، شفاها به وسیله هیأت اعزامی ارائه خواهد شد. از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفیران برای مقاصد دینی، سیاسی و مانند آن به اطراف فرستاده می شدند. مطابق اظهار مورخان اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله سفیرانی به روم شرقی، ایران، مصر و حبشه فرستاد. هر چند سفیران مسلمان برای امور مهم و اهداف گوناگونی فرستاده می شدند؛ مثلاً، پیش از شروع جنگ برای اتمام حجت یا پس از وقوع جنگ برای از بین بردن آثار آن (مانند انعقاد صلح و مبادله اسیران) اعزام می شدند، اما وظیفه اصلی آنان تبلیغ اسلام و دعوت اسلامی بود. یکی از نویسندگان، وظایف سفیران را تحت عنوان «مقاصد دیپلماسی قدیم در اسلام» به طور کلی در عناوین ذیل خلاصه کرده و توضیح داده است: بازخريد اسیران، جمع آوری اطلاعات برای دولت متبوع، بازرگانی، شادباش و تسلیت گفتن، تلاش برای سازش و رفع اختلاف، اقدامات لازم برای ترک مخاصمه و برقراری صلح، خواستگاری در ازدواج های سیاسی، حمل هدایا، درخواست سرباز و کمک نظامی.



وظایفی که برای سفیران در دیپلماسی جهان اسلام معمول بوده، اگر با ماده سوم کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره حقوق دیپلماتیک که وظایف مأموران دیپلماتیک را بیان کرده، مقایسه کنیم، واقع نگری و توجه اسلام به روابط دیپلماسی به خوبی مشخص می شود.

براساس ماده سوم کنوانسیون وین ۱۹۶۹، وظایف نمایندگی دیپلماتیک عبارتند از:

الف. حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده تا حدی که در حقوق بین الملل پذیرفته شده است.

ج. مذاکره با حکومت دولت پذیرنده؛

د. تحقیق اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده، با استفاده از تمام وسایل قانونی و گزارش آن به حکومت دولت فرستنده؛

ه. بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده.

بخش سوم: بررسی و تحلیل مصونیت سفیران در اسلام

چنان که اشاره کردیم مسئله سفارت در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. خداوند نخستین بنیانگذار سفارت است. او پیامبرانش را به عنوان سفیر به سوی بندگانش فرستاده است. به همین دلیل، سفارت در حکومت نبوی نیز اهمیت خاصی داشته است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم زمان با تأسیس حکومت، به دیپلماسی فعال در برقراری روابط و ارسال سفیر نزد سران کشورهای دیگر همت گماشت. البته در آن زمان چون روابط دیپلماسی و اعزام سفیران به صورت موقت بود، طبعاً وظایف و مزایای آنها نیز چندان گسترده نبود. به هر حال، دیپلماسی وسیله ای بود که در پناه آئتماس رسمی بین مقامات اسلامی و غیر آن امکان پذیر می شد. با مراجعه به منابع اسلامی و کتب معتبر تاریخی، این واقع روشن می گردد که سفیران و دیپلمات ها در جوامع اسلامی، از آزادی و احترام خاصی برخوردار بوده اند. بخصوص در عصر رسالت که نمونه هایی از آن را متذکر شدیم. مسلمانان در مراسم استقبال از سفیران دیگر کشورها رفتار ویژه ای داشتند. مهمان داران (افرادی که مأمور پذیرایی از آنها می شدند) وظیفه داشتند مصالح اسلامی را رعایت کنند و نیرو و قدرت، شوکت و عظمت، شدت و حمیت، تعصب و اتفاق کلمه، وظیفه شناسی و علاقه مندی مسلمانان را به حفظ نظام



مملکت، به سفیران و هیأت همراه نشان دهند. اکنون به مزایا و مصونیت های سفیران از دیدگاه اسلام اشاره می کنیم.

بند اول: مصونیت شخصی

سفیران و هیأت همراه، از مصونیت شخصی کامل برخوردارند و باید از تعرض و بدرفتاری با آنان اجتناب شود. در تاریخ اسلام می خوانیم حتی در مواردی که سفیر یا فرستاده ای خارج از محدوده وظیفه شان عمل کرده اند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه تعرض به آنان را نداده است. در این باره فرستادگان مسیلمه کذاب، مثال خوبی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر عمل ناشایست آنها فرمود: «لو لا أن أُرسل لا تقتل لضربت اعناقكما»؛ اگر این حکم نبود که سفیران را نمی توان کشت، شما را گردن می زدم. همچنین رفتار محبت آمیز و توأم با گذشت پیامبر صلی الله علیه و آله در انعقاد صلح حدیبیه، و نیز استقلال گرم از نمایندگان مسیحیان، شواهد دیگری در این خصوص می تواند باشد.

بند دوم: آزادی مذهبی

در دیپلماسی اسلام، سفیران برای انجام نیایش و مراسم دینی کاملاً آزادند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به هیأت نمایندگی مسیحیان نجران اجازه داد که حتی در مسجدالنبی آیین مذهبی خود را برپا دارند. مورخان انجام نیایش آنان را که آزادانه صورت پذیرفته است، حادثه ای عجیب می دانند. نویسنده کتاب سنن موارد متعددی را ذکر می کند؛ از جمله اهالی مکه پس از جنگ بدر، ابورافع را برای مذاکره و ملاقات با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آزادی اسیران قریش به مدینه فرستاد. نامبرده وقتی به مدینه آمد، اسلام آورد و نمی خواست به مکه برگردد. حضرت فرمود: «من نقض تعهد نمی کنم و نیز سفیران را توقیف نمی کنم. بنابراین بگرد! چنانچه تمایل به بازگشت داشتی، می توانی بعداً به مدینه مراجعه کنی ابورافع به توصیه آن حضرت عمل کرد.

بند سوم: معافیت از پرداخت عوارض

براساس شواهد تاریخی، اموال سفیران از پرداخت عوارض معاف بوده است؛ البته به شرط عمل متقابل دولت های متبوع آنان. به نقل یکی از نویسندگان، اگر کشورهای خارجی فرستادگان مسلمان را از عوارض گمرکی و دیگر مالیات ها معاف کنند، فرستادگان آن کشور نیز همان امتیاز را در سرزمین اسلامی خواهند داشت. در غیر این صورت تصمیم با دولت اسلامی است؛ یعنی اگر بخواهد،



آنان نیز مانند مسافران خارجی، به پرداخت عوارض معمول ملزم خواهند بود. این گونه رفتار متقابل، ممکن بود درباره شخص سفیر هم اعمال شود؛ مثلاً، رسول خدا صلی الله علیه و آله نماینده تام الاختیار مکه را تا زمان بازگشت سالم سفیر مسلمانان (که در مکه توقیف شده بود) به حدیبیه (اردوگاه پیامبر) در توقیف نگه داشت. ممکن بود فرستادگان در مواردی، بازداشت یا زندانی شوند. مسلمانان در این زمینه با احتیاط عمل می کردند. در گذشته و بخصوص در اروپا، جاسوسی نخستین هدف دیپلماسی به شمار می رفته است. از این رو، مسلمانان از سفیران بیمناک بودند و مردم را از معاشرت با آنان منع می کردند تا اخبار به آنان نرسد. ابویوسف در زمینه مصونیت سفیران چنین نوشته است:

اگر والیان با فرد بیگانه ای ملاقات کنند، او ادعا کند که فرستاده فلان پادشاه به سوی سلطان عرب است و این نامه اوست،... کسی حق تعرض به اموال او را ندارد، اموالی را که به قصد تجارت آورده مالیات دارد و الا مالیات ندارد... و چنانچه مسلمانان در دریا به کشتی که از آن مشرکان است برخورد کند و اهل کشتی ادعا کنند که فرستاده فلان حاکم هستند و نامه ای در این خصوص ارائه نمایند، بر والی لازم است که آنها را به سوی رهبر مسلمانان بفرستد و در صورتی که دروغ گفته باشند، رهبر درباره آنان تصمیم می گیرند.

نتیجه گیری

در پایان این پژوهش نتیجه بحث حاضر را چنین می توان فهرست کرد:

1. نهاد حقوقی سفارت و دیپلماسی از آموزه های دینی است. خداوند سبحان نخستین باب سفارت را گشوده است. پیامبران، سفیران اعزامی پروردگار و کتاب های آسمانی حاوی پیام های خداوند به سوی همه انسان هاست.
2. اسلام، دین جهانی است و هدف آن دعوت همه انسان ها به توحید و یکتاپرستی و تحقق عدالت در گسترده جهان می باشد، لازمه انجام این رسالت جهانی، ایجاد روابط دوستانه و رفتار حکیمانه و داشتن دیپلماسی فعال با دیگر جوامع است.
3. نقش اسلام در حوزه دیپلماسی بسیار برجسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین سفیر الهی در این زمینه اقدامات ارزنده ای انجام داده است. دیپلماسی فعال ایشان از نوادر تاریخ روابط



بین الملل به شمار می رود. ارسال نامه ها و اعزام سفیران به نزد سران کشورهای دیگر و بخصوص امپراتوری های بزرگ آن زمان، اعجاب برانگیز است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه دیپلماسی، چگونگی فرستادن و پذیرفتن سفیران و رعایت حقوق دیپلماتیک می تواند الهام بخش باشد.

۴. اصل احترام به سفیران و دیپلمات ها و مصونیت آنان در نظام حقوقی اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. تاریخ روابط بین الملل به خوبی نشانگر اهتمام مسلمانان به امر سفارت و روابط دیپلماسی است. مسلمانان قرن ها زودتر از غربیان به تدوین حقوق دیپلماتیک و رعایت آن اهتمام ورزیده اند. قرائن و شواهد تاریخی نشان می دهد که تأسیس سفارت دائم نیز از ابتکارات مسلمانان است. البته حقوق دیپلماتیک جدید با قدیم از لحاظ کمی و کیفی تفاوت هایی دارد؛ در گذشته، به دلیل موقت بودن مأموریت های دیپلماسی، ناگزیر حقوق سفیران نیز محدود بوده است. در دوران معاصر، سفارت حالت دائمی پیدا کرده و سفارتخانه هر کشوری بخشی از سرزمین آن کشور به شمار می رود، هر چند که تأمین امنیت آن به عهده کشور میزبان است. اعضای سفارت خانه و هیأت دیپلماتیک نیز متفاوت از گذشته است. در دوران معاصر، کشورها آزادی عمل بیشتری برای سفارت خانه ها قائلند. هر چند به تناسب پیچیدگی و گسترش روابط بین الملل، حقوق دیپلماتیک نیز تکامل یافته است، اما با توجه به ویژگی جهانی بودن اسلام و نقش دیپلماسی فعال در پیشرفت اهداف والای این دین مبین، محدودیتی خاصی نسبت به گسترش روابط دیپلماتیک وجود ندارد. در مجموع کشورهایی که براساس اصل همزیستی مسالمت آمیز، اقدام به تأسیس سفارتخانه می کنند، یا به وسیله عضویت در سازمان های بین المللی و یا انعقاد قراردادهای تجاری، اقتصادی، فرهنگی تعهداتی را نسبت به یکدیگر می پذیرند، باید طبق آنها رفتار نمایند. این مقتضای اصل احترام به قراردادها و اصل مقابله به مثل و عرف بین المللی است.



منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، بهرنگ، ۱۳۸۹.
۲. آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی، بهمن، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، چ دوم.
۳. ابراهیمی، محمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، قم، مهر، ۱۳۸۸، ج ۲.
۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴.
۵. ابن فراء ابوعلی حسن بن محمد، رسل الملوک: سفیران، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۶. ابن هشام، زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ترجمه هاشم رسولی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۸.
۷. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، قاهره، المطبعه السلفی ۱۳۸۲.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، تهران، دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۱۹.
۹. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داودی، قم، طلیعه النور، ۱۴۲۷، چ دوم.
۱۰. بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، بی جا، فروغی، ۱۳۷۷.
۱۱. جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰، چ ششم.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۵.
۱۳. حسینی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴، چ ششم.
۱۴. حمیدالله، محمد، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، تهران، نشر فرهنگ علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. خدوری، مجید، صلح و جنگ در قانون اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، بی جا، اقبال، ۱۳۸۹.
۱۶. ذوالعین، پرویزف حقوق دیپلماتیک، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵، چ دوم.
۱۷. صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، چ دوم.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر حجتی، بی جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا، بی تا.



۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۵.
۲۰. مسعودی، علی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۹۵.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.

Archive of SID

